

## بازشناسی وظیفه حکومت اسلامی در تحقق باورهای کلامی در جامعه از منظر قرآن و سنت

علی فارسی مدان\*

سیدعلی بطحائی\*\*

سیدسجاد موسوی\*\*\*

### چکیده

یکی از رسالت‌های حکومت اسلامی تحقق و تحکیم باورهای کلامی در جامعه دینی است. این پژوهش، با روش توصیفی تحلیلی، در صدد بررسی ریشه‌ها و مبانی این مسئله، یعنی جایگاه و نقش حکومت اسلامی در ارتقای سطح معارف دینی و رشد تربیت اخلاقی و اعتقادی جامعه است و می‌خواهد به این پرسش اساسی پاسخ دهد که: وظیفه حکومت اسلامی در تحقق باورهای کلامی در جامعه چیست؟ به عبارت دیگر، آیا حکومت اسلامی در تعمیق باورهای کلامی و اصلاح باورهای غلط نقشی به عهده دارد؟ نگارندگان کوشیده‌اند نقش حکومت اسلامی را در تربیت معارفی و تحقق باورهای کلامی در سه بُعد گسترش باور به توحید، اطاعت‌پذیری از رهبران دینی و توسعه معادباوری بررسی کنند. تبیین و ترویج توحید در جامعه، مبارزه با طاغوت و مظاهر ضدتوحیدی، اجرای احکام الهی، تعظیم ایام‌الله و شعائر الهی و توجه به مناسک دینی جامعه‌ساز در تحقق باور به توحید در جامعه مؤثر است. حکومت اسلامی گسترش باور به رهبر الهی را از راه زمینه‌سازی تحقق عینی

---

\* استادیار گروه حقوق و فقه مقارن، دانشکده مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

a.farsi@urd.ac.ir

\*\* استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده مطالعات ملل اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

a.bathaei@urd.ac.ir

\*\*\* طلبه سطح چهار حوزه علمیه قم، قم، ایران.

sydsjadm264@gmail.com

رهبری دینی در جامعه، تبیین و ترویج جایگاه رهبر الاهی و مبارزه با جریان‌های انحرافی و تعظیم انبیا تحقق می‌بخشد. باور به معاد باعث بروز آثار اجتماعی همچون رشد فرهنگ و فضایل اخلاقی جامعه، تأمین امنیت اجتماعی و فداکاری در جامعه می‌شود. لذا حکومت اسلامی گسترش باور به معاد را از طریق تبیین و ترویج باور به معاد و مبارزه با عوامل انکار معاد و غفلت از معاد محقق می‌کند.

کلیدواژه‌ها: حکومت اسلامی، باورهای کلامی، توحید، رهبران الاهی، معاد.

## مقدمه

حکومت دینی آرمانی‌ترین حکومت‌هاست و لازمه‌اش حضور و ظهور در تمامی عرصه‌ها و صحنه‌های زندگی است. حکومت اسلامی در مقام مجری احکام و قوانین، نقش اساسی در ایجاد حیات طیبه و رساندن به کمال دارد و برخاسته از قانون اسلامی است. تنها حکومتی است که می‌تواند به نیازهای انسان پاسخ دهد و سعادت جامعه را فراهم کند. بر این اساس، بی‌تردید زمامدار حکومت اسلامی عهده‌دار تأمین دانش شهروندان قلمرو حکومت خود است؛ به فرموده قرآن: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»؛ اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند» (جمعه: ۲).

حکومت اسلامی حکومتی الاهی است که مانند تمام حکومت‌های انبیای گذشته، موظف به دعوت به توحید و مبارزه با طاغوت و مظاهر شرک و کفر است. مؤید این نکته آن است که بدون ایجاد حکومت اسلامی و ترویج باورهای الاهی و همچنین نقش مهم حکومت در عمل به احکام الاهی، باور به توحید در سطح جوامع انسانی قابلیت رشد و بروز نخواهد داشت. مهم‌ترین وظیفه این پژوهش، پاسخ تلویحی به ادعای سکولاریسم راجع به نقش‌نداشتن حکومت در تعمیق باورهای دینی است. بنابراین، بررسی مبانی دینی وظایف حکومت دینی در قبال شهروندان ضروری است. در واقع، توجه‌نکردن به چنین پژوهش‌هایی، و بررسی‌نکردن مبانی دینی وظایف حاکمان دینی می‌تواند باعث کم‌رنگ‌شدن توجه حکومت به وظایف کلامی، و در نتیجه تضعیف باورهای کلامی



آحاد جامعه و تضعیف بنیان‌های حکومت دینی شود.

نکته دیگر آنکه، توحید اقسامی دارد که می‌توان به توحید در ذات، صفات و افعال اشاره کرد (صدوق، ۱۳۹۸: ۱۳۹). از منظر مطهری، اسلام دارای دو توحید نظری و عملی است (مطهری، بی‌تا: ۹۷/۲۶). با توجه به اینکه این پژوهش وظیفه حکومت اسلامی در تحقق باورهای کلامی در جامعه را تبیین می‌کند باید به همه ابعاد توحید و تحقق آن در جامعه توجه بیشتری داشته باشد، اما برخی همچون توحید ربوبیت اولویت دارد. به تعبیر دیگر، در نگاه مطهری، حکومت اسلامی موظف است همه ابعاد توحید را در جامعه به درستی تبیین کند.

اهداف این تحقیق عبارت است از: تبیین جایگاه حکومت اسلامی و رسالت آن در سعادت بشری؛ تبیین وظایف کارگزاران در اصلاح جامعه و رساندن انسان‌ها به کمال؛ تبیین نقش هدایتی قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام در ایجاد حیات طیبه و جامعه سالم و پویا؛ ملموس و محسوس کردن باورهای کلامی با زندگی بشری.

به باور نگارندگان، حکومت اسلامی در بُعد اجتماعی و جامعه باید نقش مهم و پُررنگی ایفا کند. لذا در این نوشتار از میان موضوع‌های کلامی سه موضوع توحید، معاد و رهبر الهی (نبوت، امامت و ولایت) انتخاب شد که رابطه مستقیم با جامعه و حکومت اسلامی دارد. این پژوهش در صدد است با روش توصیفی تحلیلی به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد:

۱. نقش حکومت توحید، معاد و رهبر الهی در تحقق باور به توحید چیست؟

۲. نقش حکومت اسلامی در ترویج اطاعت‌پذیری از رهبران دینی چیست؟

۳. نقش و آثار حکومت اسلامی در گسترش باور به معاد چیست؟

با وجود تفحص گسترده در منابع مکتوب کتاب‌خانه‌ای، پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی در این زمینه اثر مکتوبی نیافتیم. البته در برخی پژوهش‌ها به نقش حکومت اسلامی در شئون مختلف اشاره شده، ولی به نظر می‌رسد هیچ یک از آثار یادشده به نقش حکومت اسلامی در تحقق باورهای کلامی در جامعه توجه نکرده‌اند.



## ۱. مفهوم «حکومت اسلامی»

«حکومت اسلامی» از دو واژه «حکومت» و «اسلامی» تشکیل شده است. «حکومت» از ریشه «حکم» و در لغت به معنای «منع» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۸)، «منع از ظلم» (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۹۱/۲)، «قضاوت و منع» (فیومی، ۱۴۱۴: ۱۴۵/۲)، «فرمانروایی و حکمرانی» (آشوری، ۱۳۷۳: ۱۴۱)، «منع، علم، فقه، قضا به حق و عدل» (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۶۵/۲) به کار رفته و اگر با صفتی به کار رود برای بیان نوع رژیم سیاسی است (آشوری، ۱۳۷۳: ۱۴۱). «حکومت» در اصطلاح، فرآیند اجرای منظم سیاست‌ها و تصمیمات مقامات اداری درون دستگاه سیاسی است که در قلمرو معین، اقتدارش به کمک نظام حقوقی و با استفاده از زور در اجرای سیاست‌هایش حفظ می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۲۴-۳۲۵).

با توجه به تعریف لغوی و اصطلاحی، «حکومت اسلامی» نوعی از حکمرانی است که نه بر محور اراده فرد یا افراد می‌چرخد و نه بر محور اراده اکثریت مردم، بلکه بر اساس اراده الله است و به یقین خداوند اراده‌ای جز تأمین مصالح واقعی بندگانش ندارد. این نوع فرمانروایی در حکومت انبیا و جانشینان راستین آن‌ها و کسانی که خط انبیا را ادامه می‌دهند دیده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۴۳/۱۰). به نظر امام خمینی، حکومت اسلام حکومت قانون است. در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون فرمان و حکم خداست. قانون اسلام، یا فرمان خدا، بر همه افراد و بر دولت اسلامی حکومت تام دارد (خمینی، ۱۳۷۳: ۴۴-۴۵). همچنین، مصباح یزدی و جوادی آملی به مفهوم «حکومت اسلامی» پرداخته‌اند و با ادله محکم اصل آن را ضروری می‌دانند، زیرا انسان موجودی اجتماعی است و برای جلوگیری از هرج و مرج و نظم‌بخشیدن به زندگی اجتماعی، قانون لازم است. لذا اجرای قانون نیازمند مجریان و حاکمان و تشکیل حکومت است (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۱۶؛ جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۶۶-۹۱). بر این اساس، از منظر جوادی آملی، کامل‌ترین و بهترین قانون، قانونی است که در آن به همه ابعاد طبیعی، عملی، اخلاقی و اعتقادی انسان توجه شده و رعایتش مستلزم آن است که برای همه ابعاد وجودی انسان برنامه داشته باشد. چنین چیزی از مجرای حکومت اسلامی میسر است (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۶۲). از منظر متکلمان و فیلسوفان

معاصر، از جمله ادله عقلی ضرورت ایجاد حکومت اسلامی، سیره نبی اکرم ﷺ (همو، ۱۳۷۸: ۴۳۳) و سیره عقلا (همو، ۱۳۷۵: ۲۳۶؛ مصباح یزدی، ۱۳۵۶: ۱۱۶-۱۲۶) است تا قوانین و احکام اسلامی در سایه سار حکومت اسلامی محقق و اجرا شود (مصباح یزدی، ۱۳۵۶: ۱۲۱-۱۲۴). لذا این تحقیق در صدد است نقش حکومت اسلامی در تحقق باورهای کلامی در جامعه را بررسی کند.

## ۲. نقش حکومت اسلامی در تحقق باورهای کلامی

این نقش در سه محور دنبال می‌شود:

### ۱. گسترش باور به توحید

اصل توحید از مهم‌ترین و ارزشمندترین مبانی اعتقادی است. مطابق این اصل، معتقدیم خالق و آفریننده جهان و همه عوالم وجود و انسان فقط ذات مقدس خدای تعالی است (صدوق، ۱۳۹۸: ۱۳۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ۱۶۴) که از همه حقایق مطلع است و بر همه چیز قادر و مالک است. این اصل به ما می‌آموزد که انسان فقط در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند، مگر اینکه اطاعت او، اطاعت خدا باشد (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۵: ۷۸/۴-۷۹). بر این اساس، قرآن کریم به سه مسئله ریشه‌ای و اعتقادی (توحید، معاد و رسالت) بیش از سایر مسائل می‌پردازد (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۲۲) تا نقش توحید و آثار زیانباری در جامعه به بار خواهد آورد، زیرا از منظر اسلام، روح همه ارزش‌ها از یک سو در عظمت، خالقیت، ربوبیت و مولویت خدای متعال، و از سوی دیگر، فقر، نیاز، معلولیت و عبودیت همه مخلوقات دیگر نشان داده می‌شود. از این رو در فرهنگ اسلامی هر عملی تا آنجا ارزش دارد که روح بندگی خدا در آن متبلور باشد (مصباح یزدی، ۱۴۰۲: ۱۸۸).

چنان‌که گذشت، از منظر مطهری، در اسلام دو توحید وجود دارد: نظری و عملی. «توحید نظری» مربوط به عالم شناخت و اندیشه است، یعنی خدا را به یگانگی شناختن، و «توحید عملی» یعنی خود را در عمل، یگانه و یک‌جهت و در جهت ذات یگانه ساختن. به عبارت دیگر، «توحید نظری» یعنی شناخت یگانه بودن خدا، و «توحید

عملی» یعنی یگانه‌شدن انسان (مطهری، بی تا: ۹۷/۲۶). در توحید نظری حکومت اسلامی بر آن است که ابتدا مبانی و معارف توحیدی را تبیین و تشریح کند تا به مرحله عملی شدن برسد.

حکومت اسلامی، با توجه به اهمیت و جایگاه توحید در ابعاد فردی و اجتماعی، در قبال تحقق باور به توحید در جامعه وظایفی دارد، از جمله:

## ۲. ۱. ۱. تبیین و ترویج توحید در جامعه

توحید و ایمان به خالق جهان هستی چنان اهمیتی دارد که همه انبیا توحید را به مردم آموختند و هیچ پیامبری فرستاده نشده است، مگر اینکه با دعوت به توحید عبادی مبعوث شد<sup>۱</sup> و انسان‌ها را به اعتقاد به مبدأ و پرستش خدای یگانه دعوت کرد.<sup>۲</sup> قرآن کریم مردم را به توحید دعوت می‌کند.<sup>۳</sup> هدف از بعثت انبیای الهی دعوت به خدا و پرهیز از طاغوت بیان شده است. این مسئله یکی از اصول مشترک بین انبیا بوده است.<sup>۴</sup> البته باید به همه ابعاد توحید توجه شود، زیرا اداره‌کننده و مدبّر و مرتبی و نظام‌بخش عالم هستی فقط ذات پاک خداست.<sup>۵</sup> دلیل توجه به همه اقسام توحید این است. نصاب توحید در اسلام به توحید ذاتی و صفاتی ختم نمی‌شود، بلکه توحید افعالی هم در این نصاب می‌گنجد؛ زیرا برای رسیدن به نصاب توحید باید یگانگی خدا در ربوبیت نیز لحاظ شود و اعتراف کرد که جز خدا ربّی وجود ندارد. ربّ کسی است که مالک و صاحب اختیار چیزی است و بالاستقلال در ملک خود تصرف می‌کند. این مفهوم، از مقام فعل خدا انتزاع می‌شود؛ اوست که صاحب اختیار جهان است و می‌تواند بالاستقلال در آن تصرف کند. بنابراین، حتی توحید افعالی هم، به اصطلاح فیلسوفان و متکلمان، جزء نصاب توحید است (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ۲۷۴).

باور به توحید در جامعه باعث می‌شود توسعه حقیقی در جامعه محقق شود. در توسعه حقیقی انسان‌ها توسعه می‌یابند و موجب پایداری و استقامت در ایمان می‌شوند. لذا اگر انسان‌ها به رشد و تعالی برسند به وظایفشان عمل خواهند کرد و نیازی به بسیاری از نهادهای اجتماعی نیست. در روایت نبوی «قُولُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، تَفْلِحُوا» (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۵/۱؛ ابن‌حنبل، ۱۴۱۶: ۴۰۴/۲۵) به دو نکته توحیدمحوری و نتیجه آن، یعنی رستگاری، اشاره شده است، یعنی اعتقاد و باور به توحید، رستگاری و نجات

را به ارمغان خواهد آورد (لکزایی، ۱۳۸۶: ۳۴).

بنابراین، غایت تمام برنامه‌های حکومت اسلامی توحید است، چنان‌که در جنگ جمل، عربی بادیه‌نشین به خدمت حضرت علی علیه السلام آمد و از توحید و یکتایی خدای متعال پرسید. مردم به سمت آن مرد رفتند و گفتند: «مگر نمی‌بینی که فکر و خاطر حضرت مشغول است؟» امام علیه السلام فرمود: «رهاش کنید!» سپس فرمودند: «فَإِنَّ الَّذِي يُرِيدُ الْأَعْرَابِي هُوَ الَّذِي نُرِيدُهُ مِنَ الْقَوْمِ؛ همانا آنچه این مرد عرب می‌خواهد همان چیزی است که ما از این قوم (ناکثین) می‌خواهیم» (صدوق، ۱۳۶۲: ۲/۱). همان‌گونه که در کلام آن حضرت آمده است، تمام رفتار و برنامه‌های حکومت اسلامی، برای برپایی توحید و مبارزه با طاغوت در تمام مظاهرش است. لذا قرآن و اهل بیت علیهم السلام، نقش حکومت را در کنار دعوت به توحید، تبیین و ترویج باور به توحید می‌داند و این دعوت خالی از تبیین و شبهه‌زدایی نیست، بلکه با ساختاری علمی پیش می‌رود.

## ۲. ۱. ۲. مبارزه با طاغوت و مظاهر ضدتوحیدی

اعتقاد به توحید و ایمان به خدا، ملازم با پذیرفتن طاغوت است. از منظر قرآن کریم، مبارزه با طاغوت یکی از اهداف بعثت پیامبران است،<sup>۶</sup> چنان‌که در روایتی امام علی علیه السلام صراحتاً فرمودند: «فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ عِبَادِهِ إِلَى عِبَادَتِهِ؛ خداوند متعال حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به پیامبری مبعوث کرد تا بندگانش را از پرستش و اطاعت دیگر بندگان (حاکمان طاغوت) خارج، و به عبادت او راهنمایی کنند» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۵/۸۴۵-۸۴۶). پس پیامبران و رهبران الهی موظف به مبارزه با طاغوت<sup>۷</sup> و مظاهر آن در تمام شئون فردی و اجتماعی بوده‌اند<sup>۸</sup> و حکومت زمینه‌ساز و قدرت‌دهنده حاکمان دینی برای مبارزه با طاغوت است. همان‌گونه که خود مبارزه با طاغوت زمینه‌ساز تشکیل حکومت است، چنان‌که خدای متعال به حضرت موسی علیه السلام فرمان می‌دهد نزد فرعون برود و او را از طغیان باز دارد و با نجات بنی اسرائیل حکومت دینی تشکیل دهد.<sup>۹</sup> پس از تشکیل حکومت و برپایی آن و اتحاد و قدرتی که از جانب آن برای جامعه اسلامی تشکیل می‌شود، مبارزه با مظاهر طاغوتی آسان‌تر خواهد بود. امام علی علیه السلام در توضیح دلیلش، برای پذیرش حکومت از جانب خود به قدرت حکومت اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَهَا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ



أَدْفَعِ بَاطِلًا؛ به خدا قسم که این [نعلین حضرت که در حال پینه‌دوزی آن بود] نزد من از فرمانروایی بر شما دوست‌داشتنی‌تر است، الا اینکه حقی را به پا دارم و باطلی را دفع کنم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۳). روشن است که طغیان در برابر خدای سبحان و شرک و مظاهر آن از بالاترین مصادیق باطل است و توحید بالاترین حقی است که حکومت زمینه‌ساز برپایی آن است.

پیامبر ﷺ پس از تشکیل حکومت در مدینه، مبارزه خود با مظاهر طاغوت را بیشتر و علنی‌تر کرد. از این رو پس از ورود به مکه، سوار بر شتر، گرد خانه خدا طواف کرد و در همان حال با عصبایی که در دست داشت، بت‌ها را که در اطراف کعبه محکم شده بود واژگون می‌کرد و می‌فرمود: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء: ۸۱) (ابن‌هشام، بی تا: ۴۱۷/۲). امام علی علیه السلام به فرمان پیامبر ﷺ بر شانه آن حضرت صلوات الله علیه رفت و بت بزرگی را که بر فراز کعبه بود بر زمین افکند و در هم شکست (آیتی، ۱۳۷۸: ۵۶۷).

یکی از مصادیق مبارزه با طاغوت «استقامت» است که برگرفته از قرآن<sup>۱۱</sup> و سنت<sup>۱۲</sup> است. به تعبیر دیگر، پیروزی مسلمانان وابسته به استقامت در برابر طاغوت (دشمنان داخلی و خارجی) است. بر این اساس، حضرت موسی علیه السلام و هارون علیه السلام امر به استقامت شده‌اند،<sup>۱۳</sup> یا خداوند به پیامبر و مؤمنان فرمود تا وقتی مشرکان بر عهدشان استقامت ورزیدند شما هم استقامت کنید.<sup>۱۴</sup> البته استقامت در برابر طاغوت در گرو وحدت و همبستگی مردم است.<sup>۱۵</sup>

### ۲. ۱. ۳. اجرای احکام الاهی

با حکومت دینی و اجرای احکام الاهی در جامعه، باور به توحید تحقق، رشد و تعالی می‌یابد. ادله فراوانی بر این مدعا از قرآن و سنت می‌توان اقامه کرد، مثلاً خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ إِذْ أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمُ الْكُتُبَ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَتَوْا بِالصَّلَاةِ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ کسانی که اگر آنان را در روی زمین تسلط و توان دهیم نماز را بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و به هر کار پسندیده‌ای وا می‌دارند و از هر عمل زشتی باز می‌دارند» (حج: ۴۱).

در میان ائمه علیهم السلام، حضرت علی علیه السلام حکومت اسلامی تشکیل داد و در صدد بود با

تبیین فلسفه احکام الاهی، احکام الاهی را اجرا کند: «الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ وَ الْحَجِّ جِهَادٌ كُلُّ ضَعِيفٍ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْبَدَنِ الصِّيَامُ وَ جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ؛ نماز موجب نزدیکی هر پارسایی به خداست، و حج جهاد هر ناتوان است. هر چیزی زکاتی دارد، و زکات تن، روزه، و جهاد زن، نیکوشوهرداری است» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۶). البته برای اجرای احکام الاهی مسئولان و رهبران دینی و خواص جامعه باید ابتدا خود عامل به آن باشند. بر این اساس، امام علی علیه السلام فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَ اللَّهُ مَا أَحْتَكُمُ عَلَيَّ طَاعَةً إِلَّا وَ أَسْقِكُمْ إِلَيْهَا؛ ای مردم! سوگند به خدا من شما را به هیچ طاعتی و اداری نمی‌کنم مگر آنکه پیش از آن خود، عمل کرده‌ام» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵). همچنین، حضرت علیه السلام مردم و مسلمانان را از زشتی‌ها و رذائل اخلاقی، که نوعی منکر است، باز داشته‌اند: «أَيُّهَا النَّاسُ ... وَ لَا أَنهَاكُمُ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا وَ أَتَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا؛ ای مردم! ...، و از معصیتی شما را باز نمی‌دارم جز آنکه پیش از آن ترک گفته‌ام» (همان). بنابراین، تحقق احکام الاهی، بُروردنده نقش اقسام توحید در جامعه، به‌ویژه توحید در حاکمیت و اطاعت الاهی، است.

#### ۲. ۱. ۴. تعظیم شعائر الاهی و ایام الله

یکی از دستورهای الاهی به حضرت موسی علیه السلام این بود که ایام الاهی را به مردم یادآوری کند. یادآوری ایام الاهی و بزرگداشت شعائر دینی و الاهی، آثاری از جمله تقوا، خیر و خوشبختی در پی دارد. قرآن کریم به برخی شعائر دینی و الاهی اشاره کرده است.<sup>۱۵</sup> حکومت اسلامی در تعظیم شعائر و ایام الله نقش مهمی دارد و نتیجه‌اش توجه به توحید و یاد خدای متعال و در نتیجه تحقق باور به توحید است. از نمونه‌های آن برپایی حج است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَوْ عَطَّلَ النَّاسُ الْحَجَّ، لَوَجَبَ عَلَيَّ الْإِمَامِ أَنْ يُحْبِرَهُمْ عَلَيَّ الْحَجِّ إِنْ شَاؤُوا وَ إِنْ أَبَوْا؛ فَإِنَّ هَذَا الْبَيْتَ إِنَّمَا وَضِعَ لِلْحَجِّ؛ اگر مردم حج را تعطیل کنند بر امام است که آن‌ها را به حج رفتن مجبور کند، چه بخواهند و چه آباء امتناع ورزند، زیرا این بیت فقط برای برپایی حج وضع شده است» (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۲۹/۸). بنابراین، حکومت اسلامی وظیفه دارد شعائر الاهی را احیا کند و سنت اهل بیت علیهم السلام را زنده نگه دارد.

## ۲.۲. ترویج اطاعت‌پذیری از رهبران دینی

رهبری و امامت جامعه اسلامی از معارف کلامی است. بر اساس منطق قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام حکومت و ولایت از آن خداست و توحید شناخت مبدأ هستی است و معاد نیز پایان راه را به انسان نشان می‌دهد. لذا به ضرورت توحید و معاد، نیاز به رهبر و راهنمایی برای رسیدن انسان به مقصد نهایی انکارناپذیر است و خدای متعال برای این رهبر و راهنما، ولایت بر پیروانش قرار داده است. رأس ولایت، ولایت خدای تعالی است (شوری: ۲۸) و پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، نزدیک‌ترین شخص به خداوند، دارای ولایت خاصه است (احزاب: ۶). در مرحله بعد ولایت ائمه علیهم‌السلام، در مرحله پایین‌تر ولایت فقیه، و سپس ولایت عامه مؤمنان است.

در ادامه، نقش حکومت در گسترش باور به رهبر الهی (نبوت، امامت و ولایت) را بررسی می‌کنیم.

### ۲.۲.۱. تبیین و ترویج جایگاه رهبران الهی در حاکمیت الهی

آیات قرآن کریم و روایات بر این نکته تأکید دارند که فقط رهبر الهی حق حاکمیت، آن هم از جانب حاکم حقیقی، یعنی خدای متعال، دارد و هر حکومتی غیر از حکومت آنان، نامشروع و طاغوت است. لذا این جایگاه را تبیین و ترویج کرده‌اند. قرآن کریم انسان‌ها را به اطاعت از خدا و رسولش و رهبران الهی جانشین او فرمان می‌دهد و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالأمر [اوصیای پیامبر] را! (نساء: ۵۹). همچنین، از آیات دیگر همچون «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص: ۲۶) برای جایگاه رهبران الهی هم استفاده می‌شود. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به دستور خداوند و در مقام حاکم اسلامی، رهبر الهی پس از خود را معرفی، و همگان را به اطاعت از او دعوت می‌کند. اهمیت این دعوت به گونه‌ای است که بدون آن، رسالت حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ناتمام می‌ماند: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»؛ ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرهای احتمالی) مردم نگاه

می‌دارد؛ و خداوند جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند» (مانده: ۶۷). بر این اساس، پیامبر ﷺ پیروی از ولایت اولی‌الأمر را لازم، و نظام و اساس اسلام می‌داند: «إِسْمَعُوا وَأَطِيعُوا لِمَنْ وَلاَهُ اللهُ الْأَمْرَ فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ؛ از کسی که خداوند او را ولی امر شما کرده است شنوایی و اطاعت داشته باشید که او رشته کار اسلام است» (مفید، ۱۴۱۳ ب: ۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳/۲۹۸). بیان حقوق متقابل حاکم و رهبر الهی در رأس حکومت بر مردم در روایات متعدد، به خصوص کلمات امیرالمؤمنین علی علیه السلام (نهج البلاغه، خطبه ۳۴ و ۲۱۶) مؤید نقش تبیینی و ترویجی حکومت است.

## ۲.۲.۲. زمینه‌سازی تحقق عینی رهبری دینی در جامعه

با تشکیل حکومت اسلامی، رهبری و مدیریت جامعه در دست انسان کامل یا نماینده او قرار می‌گیرد. لذا حکومت زمینه‌ساز تحقق عینی رهبری دینی در جامعه است، چنان‌که خدای متعال در قرآن، برخی از انبیا را مأمور به تشکیل حکومت کرد تا آن‌ها در رأس هرم حکومت دینی قرار گیرند و رهبری دینی در جامعه‌شان تحقق عینی پیدا کند و آن پیامبر یا رسول حاکم جامعه واقع شود، مانند آنچه در باره داوود نبی علیه السلام فرمود:

«يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ»؛ [و او را گفتیم که] ای داود، ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم، پس میان خلق خدا به حق حکم کن و هرگز هوای نفس را پیروی نکن که تو را از راه خدا گمراه سازد و آنان که از راه خدا گمراه شوند چون روز حساب و قیامت را فراموش کرده‌اند به عذاب سخت معذب خواهند شد (ص: ۲۶).

حکومت دینی با سپردن جایگاه حاکمیت به رهبر الهی، تمامی دستورها و احکام دین را به منصف ظهور می‌رساند، چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لَا يَصْلِحُ [يَصِحُّ] الْحُكْمُ وَلَا الْحُدُودُ وَلَا الْجُمُعَةُ إِلَّا بِإِمَامٍ؛ کار حکومت و اجرای حدود و اقامه نماز جمعه به سامان نمی‌رسد مگر اینکه پیشوا و امامی در رأس قرار داشته باشد» (ابن‌اشعث، بی‌تا: ۴۳). قرآن کریم امامت را عامل کمال و اتمام دین می‌داند (مانده: ۳) و اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امامت را تبیین نمی‌کرد رسالت و نبوت هم ناتمام می‌ماند (مانده: ۶۷). بر این اساس، امامت چنین توصیف شده است: شالوده و ریشه اسلام: «إِنَّ الْإِمَامَةَ أَسُّ الْإِسْلَامِ وَفَرْعُهُ السَّامِيُّ؛ امامت ریشه روینده و بالنده اسلام و شاخه بالارونده آن است»

(کلینی، ۱۴۲۹: ۴۹۲/۱؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۳۸)؛ ریشة همه خوبی‌ها: «نَحْنُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ، وَ مِنْ فُرُوعِنَا كُلِّ يَرٍ؛ ما ریشة همه خوبی‌ها هستیم و هر نیکی ثمره شاخه‌های ماست» (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۵۳/۱۵)؛ نظام اجتماع و امت: «الإِمَامَةُ نِظَامُ الْأُمَّةِ» (لیثی، ۱۳۷۶: ۴۴)؛ زمام دین: «إِنَّ الإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَ نِظَامُ المُسْلِمِينَ وَ صَلَاحُ الدُّنْيَا وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِينَ؛ امامت زمام دین، مایه نظام مسلمانان و سبب سامان یافتن دنیایشان و موجب عزت مؤمنان است» (صدوق، ۱۳۷۶: ۶۷۶؛ همو، ۱۳۷۸: ۲۱۸/۱) و راه پروردگار: «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ أَنَّ رَجُلًا لَقِيَ اللَّهَ بِعَمَلٍ سَبْعِينَ نَبِيًّا ثُمَّ لَمْ يَأْتِ بِوَلَايَةِ أَوْلَى الْأَمْرِ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَ لَا عَدْلًا؛ سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برانگیخت؛ اگر کسی با اعمال هفتاد پیامبر، خدا را دیدار کند، اما ولایت اولوالامر ما خاندان را به همراه نداشته باشد خداوند از او نه توبه و نه بازگشتی و نه فدیة‌ای می‌پذیرد» (مفید، ۱۴۱۳: ب: ۱۱۵). بنابراین، حکومت اسلامی با قراردادن رهبر دینی در رأس هرم حکومت، جایگاه او را مشخص، و باور به این مقام را تقویت می‌کند و دین اسلام با امامت به جایگاه درست و به کمال مطلوب خود رسیده است.

### ۲. ۲. ۳. تعظیم انبیا به منظور تقویت باور به رهبری الهی

قرآن کریم از انبیای الهی گذشته فراوان یاد می‌کند، به خصوص انبیایی که در رأس حکومت‌های دینی و الهی قرار گرفته‌اند و این خود راهی برای گسترش باور به رهبر الهی است؛ مثلاً در قرآن (صافات: ۷۹-۱۳۹) از چند تن از این انبیا و پیامبرانی همچون نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ، ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ، اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ، اسحاق عَلَيْهِ السَّلَامُ، موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ، هارون عَلَيْهِ السَّلَامُ، الیاس عَلَيْهِ السَّلَامُ، لوط عَلَيْهِ السَّلَامُ و یونس عَلَيْهِ السَّلَامُ یاد کرده و در آیاتی دیگر پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را مؤظف به ذکر اسامی و یاد آن‌ها در کتاب کرده است (مریم: ۴۱، ۵۱، ۵۴، ۵۶؛ ص: ۴۵ و ۴۸).

حکومت اسلامی با تعظیم یاد و نام انبیای الهی و شعائر مرتبط با آنان، بر اهمیت راه و مسیر و جایگاه الهی آن‌ها و در نتیجه باور به آنان اثر می‌گذارد، چنان‌که در بالاترین شعار اسلام، یعنی شهادتین، از جایگاه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ یاد می‌شود. محمود شلتوت می‌نویسد:

خاطرة محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در نهاد هر انسان مؤمنی همیشه زنده است و هیچ‌گاه و در هیچ زمان و مکانی آن را نمی‌تواند فراموش کند. خدا نام او را در کلمه توحید با

نام خود درآورده که جز به گفتن این کلمه، هیچ انسانی مسلمان نمی‌گردد. کلمه «لا اله الا الله، محمد رسول الله» مرز جدایی میان کفر و ایمان است. در اذان، که بانگش روزی پنج بار در مساجد و بر فراز مناره‌ها برداشته می‌شود، نام حضرت محمد ﷺ در تمام نمازهای واجب مستحب باید پیوسته تکرار شود. خاطره محمد ﷺ این گونه در تمام عبادات، عقاید و سایر شئون اسلامی همچون نگینی می‌درخشد و روزانه میلیون‌ها زبان، یادآور نام مبارکش می‌گردد. راستی خاطره جاوید همین است (شلتوت، ۱۳۵۹: ۳۵۰-۳۵۱).

حضرت علی رضی الله عنه نیز بارها از پیامبر ﷺ و جایگاه ایشان به نیکی یاد می‌کند،

چنان‌که فرمود:

أَسَلْتُ دَاعِيًا إِلَى الْحَقِّ وَ شَاهِدًا عَلَى الْخَلْقِ فَبَلَغَ رِسَالَاتِ رَبِّهِ غَيْرَ وَاِنٍ وَّ لَا مُقَصِّرٍ وَ جَاهِدَ فِي اللَّهِ أَعْدَاءَهُ غَيْرَ وَاِهِنٍ وَّ لَا مُعَدِّرٍ إِمَامٌ مِّنْ اتَّقَى وَ بَصُرُ مِنْ اهْتَدَى؛ او پیامبر را فرستاد تا به حق فرا خواند و بر آفریدگان گواه باشد. او پیام‌های پروردگارش را رساند و در این راه، نه سستی کرد و نه کوتاهی ورزید و در راه خدا با دشمنان او جنگید، بی آنکه ناتوانی به او راه یابد، یا آنکه ذره‌ای از کوشش فرو گذارد. او پیشوای پرهیزکاران و دیده‌ریافتگان است (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۶).

## ۴.۲.۲. مبارزه با جریان‌های انحرافی

یکی از وظایف مهم حکومت اسلامی در تحقق گسترش باور به رهبر الاهی (نبوت، امامت و ولایت) توجه به آسیب‌ها و موانع تحقق آن است. به عبارت دیگر، حکومت اسلامی موظف است علاوه بر توجه به جنبه‌های مثبتی موضوع، به ابعاد سلبی هم دقت و توجه بیشتری کند تا موانع و آسیب‌ها، این باور مهم کلامی را به خطر نیندازد.

یکی از آسیب‌ها و موانع، بروز جریان انحرافی حول محور امامت و ولایت است. لذا بر حکومت اسلامی واجب است برای تقویت باور به رهبر الاهی، در مقابل جریان‌های انحرافی بایستد. اگر قرآن می‌فرماید: «فَلَا تُطْعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان: ۵۲)، پس پیامبر ﷺ و رهبری برآمده از آن، در هر عصر و زمان و در سطح جهانی، توانایی و شایستگی برای مبارزه با جریان کفر و شرک را دارد؛ زیرا فرمان خداوند به جهاد بزرگ با کافران، پس از یادآوری جاودانگی و جهانی بودن رسالت پیامبر ﷺ، حاکی از آن است که قرآن کتابی است که این توانایی را دارد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۳۳۲/۱۲)؛ یا در ماجرای گوساله‌سامری (طه: ۸۳-۹۱)، هارون که جانشین

حضرت موسی علیه السلام است، دست از رسالت خویش برنداشت و وظیفه مبارزه با انحراف و فساد را، در حد توان، انجام داد و قبل از آمدن موسی علیه السلام به بنی اسرائیل گفته بود شما در معرض آزمایش سختی قرار گرفته‌اید؛ فریب نخورید و از راه توحید منحرف نشوید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۷۲/۱۳).

همچنین، ضروری است حکومت اسلامی با افرادی که در مقابل رهبری الاهی ادعای خلافت و رهبری می‌کنند به مبارزه علمی و عملی برخیزد، چنان‌که حضرت علی علیه السلام فرمودند طلحه و زبیر هر کدام به تنهایی برای خود ادعای خلافت می‌کنند (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۱/۲۴۶). لذا حضرت علیه السلام در برابر انحراف و زیاده‌خواهی آنان ایستادند. بر این اساس، امام علی علیه السلام در دوران خلافتشان در سه جبهه مقابل با ناکثین، قاسطین و مارقین مبارزه کردند. وجه مشترک این سه جریان، ایستادن در مقابل رهبر الاهی است. علی علیه السلام پس از مبارزه با مارقین (نهج البلاغه، خطبه ۹۳) فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ فَايْتِي فَقَاتُ عَيْنَ الْفِتْنَةِ وَ لَمْ يَكُنْ لِيَجْتَرِي عَلَيْهَا أَحَدٌ غَيْرِي بَعْدَ أَنْ مَاجَ غَيْبُهَا وَ اشْتَدَّ كَلْبُهَا؛ ای مردم! من بودم که چشم فتنه را کندم، و جز من هیچ کس جرئت چنین کاری را نداشت، آنگاه که امواج سیاهی‌ها بالا گرفت و به آخرین درجه شدتش رسید».

### ۳.۲. گسترش باور به معاد و آثار اجتماعی آن

باور به معاد و بازگشت دوباره انسان و زندگی پس از مرگ جزء باورهای اساسی هر مسلمان، و لازمه باور به مبدأ و توحید است و زمینه اثبات باور به نبوت و لزوم وجود راهنما برای انسان. همچنین، باور به معاد از پایه‌های اثبات لزوم حکومت دینی است، زیرا در پرتو حکومت دینی، احکام الاهی ترویج می‌شود و تحقق می‌یابد. اعتقاد به معاد نیز ضامن تلاش برای پای‌بندی به ارزش‌ها و احکام الاهی است. در قرآن صراحتاً فراموشی معاد را علة العلل انحراف دانسته است: «بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص: ۲۶).

منظور از وظایف حکومت اسلامی در گسترش باور به معاد آن است که حکومت دینی به گونه‌ای برنامه‌ریزی و فعالیت کند که آثار باور به معاد در مردم و میان جامعه اسلامی پُررنگ و اثرگذار شود، زیرا ایمان به باورهای کلامی، زمانی در جامعه بروز و ظهور پیدا می‌کند که در عمل نمایان شود. از این‌رو باور به معاد در آثار آن و عمل به آن محقق می‌گردد و آثار اجتماعی فراوانی دارد، از جمله:

**الف. رشد فرهنگ و فضایل اخلاقی جامعه؛** انسان‌های معادباور این حقیقت را درک می‌کنند که برای اعمالشان حساب و کتابی است و برای اعمال نیکشان جزای نیک و رضوان الاهی است. انسان‌هایی که چنین نگرشی داشته باشند جامعه‌ای سرشار از فضایل اخلاقی و معنویت برای خود به ارمغان می‌آورند؛ زیرا اعتماد به یوم‌الحساب می‌تواند امیال و غرایز انسان را تعدیل کند (اردجایی، ۱۳۹۰: ۳۵۱).

**ب. تأمین امنیت اجتماعی؛** امنیت اجتماع از نیازهای اساسی جوامع انسانی است که تأمین آن از وظایف حکومت است. اعتقاد به معاد عامل بازدارنده‌ای است که افراد جامعه را از منفعت‌طلبی، زیاده‌خواهی و هرج و مرج باز می‌دارد و انسان را تحت کنترل درمی‌آورد و از او مراقبت می‌کند. انسانی که به معاد باور داشته باشد تمام اعمال بزرگ و کوچکش تحت نظارت است و در رفتار خود مراقبت بیشتری به خرج می‌دهد:

وَوَضِعَ الْكِتَابَ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لَ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلُمُ رَبُّكَ أَحَدًا؛ و کارنامه [عمل شما در میان] نهاده می‌شود، آنگاه بزهکاران را از آنچه در آن است بیمناک می‌بینی و می‌گویند: وای بر ما، این چه نامه‌ای است که هیچ [کار] کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته، جز اینکه همه را به حساب آورده است؛ و آنچه انجام داده‌اند حاضر یابند. پروردگار تو به هیچ کس ستم روا نمی‌دارد (کهف: ۴۹).

**ج. ایثار و فداکاری؛** از آثار اجتماعی معاد و اعتقاد به آن، زنده کردن روح ایثار و فداکاری است. زندگی این دنیا، زندگی گذرا، ناپایدار و فانی است، در حالی که آنچه برای اعمال بعدی ذخیره می‌شود پایدار و جاویدان خواهد ماند: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ؛ آنچه پیش شماست تمام می‌شود و آنچه پیش خداست پایدار است» (نحل: ۹۶). فرد معتقد به معاد می‌داند منافع قلیل دنیا از بین رفتنی است و برای او نخواهد ماند و می‌تواند با انواع انفاق‌ها و گذشت‌ها مواهب کثیری به دست آورد، روح ایثار و فداکاری در وجودش شکل می‌گیرد، و مسلماً با چنین روحیه و ایمانی جامعه به تکامل حقیقی‌اش می‌رسد (اردجایی، ۱۳۹۰: ۳۵۲).

حکومت اسلامی زمینه‌ساز گسترش باور به معاد است. این زمینه‌سازی از چند جهت صورت می‌گیرد:

### ۲.۳.۱. تبیین و ترویج باور به معاد

قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام باور به معاد و نقش معاد در زندگی را در آیات و روایات متعدد برای انسان‌ها تبیین کرده‌اند. آیات متعددی در قرآن کریم، معاد، قیامت و جایگاه‌های آن و استدلال‌های متعدد و متنوعی را برای اثبات معاد بیان می‌کنند و در پاسخ به کسی که معاد را انکار کرده بود با تبیین و یادآوری معاد می‌فرماید:

وَ صَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ \* قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ؛ برای ما مثالی زد و حال آنکه آفرینش خود را از یاد برد. او گفت: چه کسی این استخوان‌های پوسیده را زنده می‌کند؟ بگو: همان کسی آن‌ها را زنده می‌کند که در آغاز بیافریدشان و او به هر آفرینشی داناست (یس: ۷۸-۷۹).

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تبیین و ترویج معاد به نزدیکانش فرمود:

ای فرزندان عبدالمطلب! راهنما به افراد خود دروغ نمی‌گوید. سوگند به آن که مرا به حق برانگیخت، همچنان که می‌خوابید می‌میرید، و همچنان که بیدار می‌شوید برانگیخته می‌شوید. بعد از مرگ سرایی جز بهشت یا دوزخ نیست. آفرینش همه خلایق و برانگیختن آن‌ها برای خداوند سبحان همچون آفرینش و برانگیختن یک نفر است. خدای سبحان فرمود: «آفرینش و برانگیختن شما نیست مگر همانند [آفرینش و برانگیختن] یک نفر» (صدوق، ۱۴۱۴: ۶۴).

امام علی علیه‌السلام هم در دوران حکومتشان، در خطبه‌های مختلفی، در ترویج معاد، یادآوری قیامت و آماده‌سازی مردم می‌کوشید، چنان‌که در یکی از خطبه‌هایش می‌فرماید: «فَإِنَّ الْغَايَةَ أَمَامَكُمْ وَإِنَّ وِرَاءَكُمْ السَّاعَةَ تَحْدُوكُمْ تَخَفُّوْا تَلْحَقُوا فَإِنَّمَا يَنْتَظِرُ بِأَوْلِيكُمْ آخِرُكُمْ؛ مقصد، فرا روی شماست و [ساربان] قیامت شما را از پشت سر می‌راند. سبکیار شوید تا که ملحق شوید؛ زیرا اولین شما چشم به راه آخرین شماست» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱).

### ۲.۳.۲. مبارزه با عوامل انکار معاد و غفلت از آن

قرآن کریم و روایات، عوامل و زمینه‌های مختلفی را برای انکار معاد و غفلت و تغافل از آن بیان می‌کنند، از جمله:

الف. آزادی خواهی مطلق انسان: بر این اساس، خداوند می فرماید: «بَلْ يَرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ \* يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ؛ بلکه انسان می خواهد تا جلوی خود را باز گذارد. می پرسد روز قیامت کی است؟» (قیامت: ۵-۶) (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۳۷۰/۲۸).

ب. تجاوزگری انسان: «الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بَيُّومَ الدِّينِ \* وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ؛ آنان که روز جزا را تکذیب می کنند، و آن را جز هر متجاوز گنه پیشه تکذیب نمی کند» (مطففین: ۱۱-۱۲).

ج. جهل و نادانی: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَعَدَاءٌ عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ آن ها سوگندهای شدید به خدا یاد کردند که «هرگز خداوند کسی را که می میرد، بر نمی انگیزد!» آری، این وعده قطعی خداست (که همه مردگان را برای جزا بازمی گرداند) ولی بیشتر مردم نمی دانند!» (نحل: ۳۸)

د. نیندیشیدن درباره خلقت و هدفدار بودنش: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ؛ آن ها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می دانند، و از آخرت (و پایان کار) غافل اند!» (روم: ۷).

ه. شک: انکار معاد نزد کافران نشئت گرفته از شک و تردید است نه باور علمی و یقینی: «قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ؛ و کسانی که کفر ورزیده اند گفتند: هنگامی که ما و پدرانمان خاک شدیم، آیا حتماً از قبرها بیرون آورده می شویم؟»؛ (نمل: ۶۵) «لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَ آبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ؛ همانا ما و پدرانمان پیش از این، به این [زنده شدن] وعده داده شدیم، این نیست جز افسانه های پیشینیان» (مؤمنون: ۸۳).

و. گناه: جرم و تبهکاری و همچنین تمایل به گناه زمینه ساز انکار معاد است.

حکومت اسلامی می تواند با مبارزه علمی و عملی، عوامل انکار معاد و غفلت از آن را تضعیف کند و از بین ببرد، و از طرفی با ترویج معادباوری رابطه هماهنگ دنیا و آخرت را از دیدگاه دین و احکام شریعت و نقش مهم آخرت گرایی در جامعه ترویج دهد. برخی از عوامل مذکور نیاز به مقابله علمی دارد و برخی نیاز به مبارزه عملی.

## ۲.۳.۳. اجرای حدود الاهی

یکی از نقش‌های حکومت اجرای حدود الاهی است، چنان‌که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَجَعَلَ عَلَيَّ مِنْ تَعَدِّي حَدًّا مِنْ حُدُودِ اللَّهِ حَدًّا؛ خدای سبحان برای تعدی از حدود، حد و مجازات قرار داده است» (برقی، ۱۳۷۱: ۲۷۵/۱). در این روایت، واژه «حد» چند مرتبه تکرار شده است. در مرتبه اول و دوم «حد» به معنای مرز است و در مرتبه سوم به معنای تنبیه و مجازات. بنابراین، معنای سخن رسول خدا ﷺ چنین است: خداوند عزوجل برای هر چیزی حد و مرزی قرار داده است و هر کس پایش را از آن فراتر گذارد و حدود را نادیده بگیرد، مستوجب مجازات و عقوبت خواهد بود. بی‌شک رعایت نکردن حدود الاهی، مجازات و عقوبتی در پی خواهد داشت (حسن‌الاهی، ۱۳۸۶: ۹۷).

برپایی و اقامه احکام الاهی، برای مجازات خطاکاران و برپایی حدود الاهی، نشان‌دهنده اهمیت عاقبت کارهاست و چون هر عملی در دنیا پاداش یا مجازات داده نمی‌شود، این خود موجب تقویت باور به معاد می‌شود.

### نتیجه

۱. با مراجعه به آیات و روایات روشن شد که تحقق حیات طیبه بدون باور به توحید، باور به معاد و رهبران الاهی امکان‌پذیر نیست.
۲. جایگاه و نقش خداوند در زندگی انسان از مهم‌ترین مباحث معرفتی است که در تحقق باورهای دینی و اسلامی اثرگذار است.
۳. حکومت اسلامی برای تحقق باور به توحید در جامعه و ظایفی بر عهده دارد، همچون: تبیین و ترویج توحید در جامعه، مبارزه با طاغوت و مظاهر ضدتوحیدی، اجرای احکام الاهی، تعظیم ایام و شعائر الاهی و دینی.
۴. یکی دیگر از نقش‌های حکومت اسلامی گسترش باور به معاد است. زیرا باور به معاد آثار اجتماعی فراوانی دارد، از جمله: رشد فرهنگ و فضایل اخلاقی جامعه، تأمین امنیت اجتماعی، ایثار و فداکاری.
۵. گسترش باور به معاد و زمینه‌سازی برای آن از جهات مختلف، مانند تبیین و



ترویج باور به معاد، مبارزه با عوامل انکار معاد و غفلت از آن و اجرای احکام دینی و تعظیم شعائر مذهبی.

۶. گسترش باور به رهبر الاهی در تحقق حیات طیبه و باورهای اسلامی نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کند. رهبران دینی می‌توانند با فعالیت‌هایی در تحقق باورهای دینی و حیات طیبه اثرگذار باشند، از جمله: زمینه‌سازی برای تحقق عینی رهبری دینی در جامعه، تبیین و ترویج جایگاه رهبر الاهی، مبارزه با جریان‌های انحرافی و تعظیم شعائر دینی در جهت باور به رهبر الاهی.



۱. در قرآن کریم، آیه ۳۶ سوره نحل و آیه ۲۵ سوره انبیاء به توحید عبادی تصریح شده است.
۲. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُولٍ إِلَّا نُوْحِيْ اِلَيْهِ اِنَّهٗ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنَا فَاَعْبُدُوْنَ» (انبیاء: ۲۵).
۳. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۲۱).
۴. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اِعْبُدُوا اللّٰهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللّٰهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ فَنَسُوا فِي الْأَرْضِ فَاَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (النحل: ۳۶).
۵. در بسیاری از آیات قرآن، از خداوند با عنوان «رب العالمین» (پروردگار جهانیان) یاد شده است، از جمله: «الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (حمد: ۱).
۶. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اِعْبُدُوا اللّٰهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (النحل: ۳۶).
۷. «مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ وَ الَّذِيْنَ مَعَهُ اَشْدَءُ عَلٰى الْكٰفِرِ اِرْحَمَءُ بَيْنَهُمْ» (الفتح: ۲۹).
۸. «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ \* لَا اَعْبُدْ مَا تَعْبُدُونَ» (الکافرون: ۱-۲).
۹. «هَلْ اَتَاكَ حَدِيْثُ مُوسٰى \* اِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى \* اِذْ هَبَّ اِلَيْهِ فِرْعَوْنُ اِنَّهٗ طَغٰى \* فَقُلْ هَلْ لَكَ اِلٰى اَنْ تَرْكَبٰى \* وَ اَهْدِيْكَ اِلٰى رَبِّكَ فَتَحْسَبٰى» (نازعات: ۱۵-۱۹).
۱۰. «فَاَسْتَقِيْمْ كَمَا اُمِرْتَ» (هود: ۱۱۲).
۱۱. در تفاسیر، ذیل آیه «فَاَسْتَقِيْمْ كَمَا اُمِرْتَ» (هود: ۱۱۲) آمده است که ابن عباس می‌گوید: «هیچ آیه‌ای شدید و مشکل‌تر از این آیه بر پیامبر ﷺ نازل نشد. لذا وقتی اصحاب از آن حضرت پرسیدند: «چرا به این زودی موبایتان سفید شده و آثار پیری نمایان گشته است؟»، فرمودند: «مرا سوره هود و واقعه پیر کرد!» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۰۴/۵).
۱۲. «قَالَ قَدْ اُحْبِبْتَ دَعْوَتَكَ مَا فَاسْتَقِيْمَا وَ لَا تَتَّبِعَانِ سَبِيْلَ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ» (یونس: ۸۹).
۱۳. «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيْمُوا» (توبه: ۷).
۱۴. «قُلْ اِنَّمَا اَعْظَمْتُ بِوَاحِدَةٍ اَنْ تَقُوْمُوا لِلّٰهِ مَثْنٰى وَ فِرَادٰى» (سبأ: ۴۶).
۱۵. «اِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَابِرِ اللّٰهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ اَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ اَنْ يَطُوْفَ بِهِمَا وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَلَانَ اللّٰهُ شَاكِرٌ عَلِيْمٌ» (بقره: ۱۵۸).



## منابع

۱. قرآن کریم (۱۳۸۰). ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲. آشوری، داریوش (۱۳۷۳). دانش نامه سیاسی، تهران: مروارید، چاپ سوم.
۳. آیتی، محمدابراهیم (۱۳۷۸). تاریخ پیامبر اسلام، تهران: دانشگاه تهران، چاپ ششم.
۴. ابن اشعث، محمد بن محمد (بی تا). الجعفریات (الأشعثیات)، تهران: مکتبه النینوی الحدیثه، الطبعة الاولى.
۵. ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول.
۶. ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۷۶). الأمالی، تهران: کتابچی، چاپ ششم.
۷. ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا (ع)، تهران: نشر جهان، چاپ اول.
۸. ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۹۸). التوحید، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول.
۹. ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۴). إعتقادات الإمامیه، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ دوم.
۱۰. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶). مسند الإمام أحمد بن حنبل، بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولى.
۱۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۱۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹). مناقب آل أبی طالب (ع)، قم: علامه، چاپ اول.
۱۳. ابن فارس، أحمد (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
۱۴. ابن هشام حمیری معافری، عبد الملک (بی تا). السیره النبویه، بیروت: دار المعرفة.
۱۵. اردجایی، اردشیر (۱۳۹۰). معاد و آثار اعتقاد به آن، قم: زائر، چاپ اول.
۱۶. برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامیه، چاپ دوم.
۱۷. بی آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۷۵). رساله نوین: مسائل خانواده، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، چاپ شانزدهم.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). ولایت فقیه: ولایت فقاها و عدالت، قم: اسراء.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). جامعه در قرآن، قم: اسراء.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). توحید در قرآن، قم: اسراء، چاپ اول.
۲۱. حسن الاهی، منوچهر (۱۳۸۶). نگاهی به سیره پیامبر اعظم، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
۲۲. خمینی، روح الله (۱۳۷۳). ولایت فقیه، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.

۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت و دمشق: دار القلم، الدار الشامیة، الطبعة الاولى.
۲۴. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاغة، تحقیق: صبحی صالح، قم: هجرت، چاپ اول.
۲۵. شلتوت، محمود (۱۳۵۹). سیری در تعالیم اسلام، ترجمه: سید خلیل خلیلیان، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
۲۷. فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: دار الهجرة، چاپ دوم.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹). الکافی، قم: دار الحدیث، چاپ اول.
۲۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نی، چاپ چهارم.
۳۰. لک‌زایی، نجف (۱۳۸۶). سیره پیامبر اعظم در گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم.
۳۱. لثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم والمواعظ، قم: دار الحدیث، چاپ اول.
۳۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثانية.
۳۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۵۶). نظریه ولایت فقیه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ بیست‌وسوم.
۳۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). نظریه سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۶). خداشناسی، تحقیق و بازنگری: امیررضا اشرفی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم.
۳۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۴۰۲). رستگاران، تدوین و نگارش: محمد مهدی نادری قمی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ پنجم.
۳۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۳۸. مطهری، مرتضی (بی‌تا). مجموعه آثار استاد شهید مطهری (آشنایی با قرآن)، تهران: صدرا.
۳۹. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ الف). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
۴۰. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ب). الأملی، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول.

۴۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ دهم.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). پیام قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ نهم.
۴۳. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۳). فرهنگ قرآن، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
۴۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶). تفسیر راهنما، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.

